

اندکی پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، داکلاس فیض معلوم وزارت دفاع در حوزه سیاست گذاری، هماهنگی برنامه ریزی های پنتاگون برای تجاوز به عراق را آغاز کرد. چالشی که داکلاس فیث به عنوان شخصیت غیر نظامی شماره ۳ در وزارت دفاع با آن دست به گریبان بوده تثبیت یک نوع منطق سیاسی برای حمله به آن کشور بود. در همان حال، اطرافیان و هم پیمانان ایدئولوژیک فیث در پنتاگون، برای به اجرا درآوردن پیکار جهانی دولت آمریکا با تروریسم و گسترش دادن آن تانه فقط بنفای بلکه همچنین تادمشق و تهران، برنامه ریزی های خود را آغاز کردند.

در ماه اوت ۲۰۰۳، آشکار شد که یکی از کارگزاران داکلاس فیث در حوزه سیاست خاورمیانه به نام "لارنس فرانکلین" مشترکاً با کمیته امور همگانی اسرائیل در آمریکا (آی پک) و مقامات اسرائیلی ملاقات کرده است. این در حالی بود که او دارای چند سند و مدرک طبقه بندی شده است. از جمله پیش نویس یک بخشنامه ریاست جمهوری در زمینه امنیت ملی که در دفتر فیث طرح ریزی شده بود. در آن اسناد یک استراتژی ستیزه جویانه امنیت ملی آمریکا در ارتباط با ایران به اجمال درج شده بود. اف بی ای در حال تحقیق در مورد انتقال این اسناد به عنوان یک قضیه جاسوسی می باشد.

این به معنای جاسوسی دو موردی که مایه نگرانی و بیخوابی های آمریکا و کارشناسان سیاست خارجی در سراسر طیف سیاسی کشور می باشد، مطرح می کند. یکی از این دو مورد عبارت از آن است که سیاست آمریکا در خاور میانه توسط ایدئولوگ های محافظه کار جدید هدایت می شود و در دفتر داکلاس فیث

واقع در پنتاگون هماهنگ شده یا به اجرا درمی آید. مورد دیگر آن است که سیاست آمریکا در خاورمیانه بیش از اندازه با سیاست افراطیون اسرائیل انطباق و هماهنگی دارد. افراطیونی که با محافظه کاران جدید آمریکا روابط تنگاتنگ دارند.

شبکه ای از مؤسسه های سیاسی محافظه کار جدید، گروه های فشار و موسسه های رهنمود دهنده (Think Tank)، در شکل بخشیدن مجدد به سیاست آمریکا در خاورمیانه به داکلاس فیث پیوسته اند. سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه سیاست های عناصر سرسخت در اسرائیل را بازتاب می دهد یا تکمیل می کند. این موسسه ها شامل مؤسسه یهودی امور امنیت ملی، موسسه مطالعات پیشرفته استراتژیک و سیاسی، مرکز سیاست امنیتی (Center of Security Policy، CSP) و سازمان صهیونیستی آمریکا که همگی گروه هایی هستند که فیث با آنها در ارتباط تنگاتنگ بوده و این ارتباط پیوسته ادامه دارد.

نخستین عراق، اکنون ایران
در ماه های پس از ۱۱ سپتامبر، به جای اتکا بر سازمان سیا، وزارت خارجه یا آژانس اطلاعاتی - امنیتی خود وزارت دفاع (Defense Intelligence Agency (DIA) برای کسب اطلاعات درباره ارتباط عراق با تروریست های بین المللی و توسعه تولید سلاح های کشتار جمعی در عراق، محافظه کاران جدید پنتاگون یک دفتر ویژه اطلاعاتی و تجسسی موسوم به دفتر طرح های ویژه (Office for Special Plan) (OSP) دایر کردند. بنیانگذاران آن دکتر، بل وولفویتر و داکلاس فیث (که هر دو معاونان وزارتخانه دفاع هستند)

معاونان پرشور بازسازی منطقه ای خاورمیانه به شمار می روند که تغییر رژیم در ایران، سوریه و نهایتاً عربستان سعودی را شامل می شود. دفتر داکلاس فیث زیرساخت لازم برای گردآوری اطلاعات را نداشت و به اطلاعات چلی که توسط احمد چلی ارائه شده بود، اتکا کرد. چلی یکی از عراقی های مقیم خارج از کشور بود که رهبری یک گروه ملی عراق را به عهده داشت. در سال ۱۹۹۸، گروه چلی، از محل قانون آزادسازی عراق، هزینه خود را تأمین می کرد. قانون مزبور یک ابتکار گذرگه بود که مورد پشتیبانی نهادهای محافظه کار جدید از قبیل "آی پک"، "سی اس پی"، "پروژه قرن جدید آمریکا" (American century, PNA) و "انستیتیوی امریکن اینترپرایز" قرار داشت.

در همان حال که چلی و دیگر افراطیون کنگره ملی عراق سرگرم دینار از دفتر داکلاس فیث بودند، مقامات اسرائیل، از جمله ژنرال های آن کشور نیز به دینار از آن دفتر اشتغال داشتند. این نکته را شریک کارن کویاکوفسکی بیان داشته است. وی در گذشته فرمانده دفتر معاونت خاورمیانه و آسیای جنوبی تحت نظارت داکلاس فیث انجام وظیفه می کرد. افراطیون اسرائیلی، همچون محافظه کاران جدید ایالات متحده، معتقدند که امنیت دراز مدت اسرائیل با تغییر جهت سیاست های خاورمیانه ای و به وسیله قدرت بزرگ نظامی آمریکا و اسرائیل به وجه احسن تأمین خواهد شد. اکنون، چنین به نظر می رسد که دفتر سیاست گذاری های داکلاس فیث که منطبق های اطلاعاتی - امنیتی مشکوک برای جنگ عراق جعل می نمود، در عین حال، در عمل تثبیت یک استراتژی پنهانی امنیت ملی

داکلاس فیث و اطلاعات مخفی عراقی

در این شماره از مجله "مشرق" به بررسی نقش داکلاس فیث در تغییر جهت سیاست آمریکا در خاورمیانه پرداخته می شود. در این شماره به بررسی نقش داکلاس فیث در تغییر جهت سیاست آمریکا در خاورمیانه پرداخته می شود. در این شماره به بررسی نقش داکلاس فیث در تغییر جهت سیاست آمریکا در خاورمیانه پرداخته می شود.



سیاست آمریکا در خاورمیانه توسط ایدئولوگ های محافظه کار جدید هدایت می شود و دفتر داگلاس فیت واقع در پنتاگون هماهنگ شده یا به اجرا درمی آید. مورد دیگر آن است که سیاست آمریکا در خاورمیانه بیش از اندازه با سیاست افراتیون اسرائیل تطبیق و هماهنگی دارد. افراتیونی که با محافظه کاران جدید آمریکا روابط تنگاتنگ دارند.

برای تغییر رژیم در ایران است. به احتمال قوی از طریق مجموعه‌های از حملات نظامی پیشگیری کننده (خواه توسط آمریکا و خواه توسط اسرائیل) و حمایت از ائتلاف ناراضیان ایران این استراتژی به اجرا درمی آید.

عملیات سری
این عملیات سری در حالی حاضر موضوع یکی از تحقیقات اف بی آی در امور جاسوسی و بررسی های کمیته قضایی مجلس نمایندگان و کمیته اطلاعاتی برگزیدم سنای سن باشد، بررسی هایی که تا پس از انتخابات به توفیق افتاده است.

پس از اطلاع دادن به وزارت خارجه یا سازمان سیا، دفتر معاونت اطلاعات اف بی آی در عملیات پنهانی مشارکت داشته است. عملیاتی که شامل یک رشته ملاقات های سری در واشنگتن، رم و پاریس طی سه سال گذشته بوده است. این ملاقات ها و جلسات مقامات دفتر سیاست گذاری و مشاوران (لایتنی فرانکلین، هارولد روده و مایکل ادین) را گرد یکدیگر آورده است. علاوه بر این افراد یک ایرانی مقیم خارج از کشور نیز که دلال اسلحه است و منوچهر قربانی فر نام دارد، گروه های فشار فر ای یک، احمد اجللی و مقامات اطلاعاتی - امنیتی ایالات و اسرائیل نیز در این جلسات شرکت داشته اند. فرانکلین که کارشناس ایران است و از آژانس اطلاعاتی دفاعی (DIA) به دفتر سیاست گذاری داگلاس فیت منتقل شده بارها به تئودور گیانون رئیس اداره سیاستی، سفارت اسرائیل در واشنگتن ملاقات کرد. به گفته مقامات اطلاعاتی آمریکا طی یکی از آن جلسات، فرانکلین پیشنهاد نمود که به پیشنهاد رئیس جمهور درباره امنیت ملی فر مورد

ایران ارائه داده شود. بیش از مدت دو سال، یکی عملیات ضد اطلاعاتی اف بی آی به انجام رسیده و به موجب آن ملاقات های به انجام رسیده در واشنگتن، میان اف بی آی و فرانکلین و مقامات اسرائیلی مورد نظارت قرار گرفته است.

تحقیق کنندگان حدس می زنند
بیش تر نوسان امنیتی از طریق یک واسطه که احتمالاً اف بی آی بوده است به اسرائیل منتقل شد. فرانکلین که نورالزهدیکان ناراضیان افراتیون ایرانی و امریکاییان ایرانی تبار می شناسند، واسطه دیگری است میان یکموشه از ملاقات های دیگری که در رم و پاریس به انجام رسید و مایکل ادین (پژوهشگر استیتوی امریکن اینتر پرایز که منظور ویژه داگلاس فیت

است. عملیاتی که شامل یک رشته ملاقات های سری در واشنگتن، رم و پاریس طی سه سال گذشته بوده است.

افراطیون اسرائیلی، همچون محافظه کاران جدید ایالات متحده، معتقدند که امنیت دراز مدت اسرائیل با تغییر جهت سیاست های خاورمیانه ای و بد وسیله قدرت بر عطف امنی آمریکا و اسرائیل به وجه احسن تأمین خواهد شد. اکنون، چنین به نظر می رسد که دفتر سیاست گذاری های داگلاس فیت که منطبق های اطلاعاتی - امنیتی مشکوکی برای جنگ عراق جعل می نمود، در همین حال، در حال تثبیت یک استراتژی پنهانی امنیت ملی برای تغییر رژیم در ایران است. به احتمال قوی از طریق مجموعه ای از حملات نظامی پیشگیری کننده (خواه توسط آمریکا و خواه توسط اسرائیل) و حمایت از ائتلاف ناراضیان ایران این استراتژی به اجرا درمی آید.

این عملیات سری در حالی حاضر موضوع یکی از تحقیقات اف بی آی در امور جاسوسی و بررسی های کمیته قضایی مجلس نمایندگان و کمیته اطلاعاتی برگزیدم سنای سن باشد، بررسی هایی که تا پس از انتخابات به توفیق افتاده است.

نیز بود. در آن ملاقات ها شرکت داشت. شخصی دیگر به نام هارولد روده نیز در آن جلسات حضور داشت و یکی از افراتیون ادین بود که از دوران ایران - کنترلی باقی مانده بود و در حال حاضر داگلاس فیت او را برای آماده ساختن طرح های مربوط به استراتژی تغییر رژیم برای کشورهای خاورمیانه، کشورهایایی که در فهرست سیاه محافظه کاران جدید قرار گرفته اند او را به استخدام در آورده است. در این ملاقات ها، استراتژی هایی نیز برای سازماندهی ایرانیانی که مایل اند جهت اجرای برنامه تغییر رژیم ایرانی با آمریکا همکاری کنند، مورد بررسی قرار گرفته اند.

انعکاس ماجرای ایران - کنتر
وجود این گروه از شخصیت ها که

است. عملیاتی که شامل یک رشته ملاقات های سری در واشنگتن، رم و پاریس طی سه سال گذشته بوده است.

افراطیون اسرائیلی، همچون محافظه کاران جدید ایالات متحده، معتقدند که امنیت دراز مدت اسرائیل با تغییر جهت سیاست های خاورمیانه ای و بد وسیله قدرت بر عطف امنی آمریکا و اسرائیل به وجه احسن تأمین خواهد شد. اکنون، چنین به نظر می رسد که دفتر سیاست گذاری های داگلاس فیت که منطبق های اطلاعاتی - امنیتی مشکوکی برای جنگ عراق جعل می نمود، در همین حال، در حال تثبیت یک استراتژی پنهانی امنیت ملی برای تغییر رژیم در ایران است. به احتمال قوی از طریق مجموعه ای از حملات نظامی پیشگیری کننده (خواه توسط آمریکا و خواه توسط اسرائیل) و حمایت از ائتلاف ناراضیان ایران این استراتژی به اجرا درمی آید.

این عملیات سری در حالی حاضر موضوع یکی از تحقیقات اف بی آی در امور جاسوسی و بررسی های کمیته قضایی مجلس نمایندگان و کمیته اطلاعاتی برگزیدم سنای سن باشد، بررسی هایی که تا پس از انتخابات به توفیق افتاده است.

گردم آمده اند. دلالت بر آن دارد که سیاست امریکا در خاورمیانه در بر دارنده عملیات پنهانی و غیرقانونی می باشد. عملیاتی که شبیه عملیات ایران - کنترا در دهه ۸۰ میلادی است. نه فقط محافظه کاران جدید باز دیگر در حال هدایت بازیگران هستند بلکه در این عملیات جدید پنهانی دست کم دو تن از طوطه گران اجرای ایران - کنترا نیز حضور دارند یکی از آنها مایکل فیلین است که بارها شکایت کرده به این که دولت بوش اجازه داده است که طرح های تغییر رژیمش برای ایران و سوریه در پیچ و خم های بوروکراسی، قالب درست خود را به دست آورد. دیگری قربانیان غیر است: کسی که سازمان سیا او را جعل کننده تغییرهای نامیده است و آن ساهوایان یوکرایی هرگونه ارتباط میان مأموران خود و وی را ممنوع ساخته است.

در طول عملیات ایران - کنترا اسرائیل به منزله یک واسطه یا مجرای برای فروش سلاح های امریکا به ایران عمل می کرد. سود فروش آن سلاح ها عیناً صرف تأمین هزینه کنتراهای نیکاراگوه می شد. اگر چه کنگره حمایت نظامی از انتقال بیرون نیکاراگوه را ممنوع ساخته بود، با این وجود این بار، هدف آشکار این زدوبندهای پشت پرده و پنهانی آن است که روابط آمریکا و ایران از حیثه دسترس دیپلمات های وزارت خارجه خارج شود و در حوزه قلمرو آیدئولوژیک های پیچگون قرار گیرد. لندن که در بین محافظه کاران جدید در مبارزه جهت تغییر رژیم در ایران مقامی شاخص قلمرو غیر نشانی نیویورک (این Review On Line National) نوشت که بسیاری از مقالات دولت امریکا به جای دست بردن به انقلاب، دموکراسی در ایران ترجیح

می دهند که با روحانیون حاکم بر ایران به گفت و گوهای وقت و بی وقت و بیهوده سرگرم شوند.

اوایل سال ۲۰۰۲، لدین همراه با "موريس آمیتای"، مدیر اجرایی پیشین آی یک و مشاور سی اس سی (SCP)، ائتلاف برای دموکراسی در ایران را پایه گذاری کرد تا از آن طریق حمایت کنگره و دولت را در تغییر رژیم به دست آورد. آی یک و ائتلاف دموکراسی برای ایران، به سهم خود تصویب قطعنامه های مجلس نمایندگان و سنا را تضمین کردند. خواستار تحریم های بیشتر شدند و حمایت خود را از ناراضیان ایرانی بیان کردند.

ائتلاف برای دموکراسی در ایران دارای اعضای موسسه های کلیدی سیاستگذاری محافظه کاران جدید و موسسه های رهنموددهنده از جمله ریموند تر، از موسسه امور خاورمیانه در واشنگتن (شعبه ای از آی یک) و فوانک گفنین، رئیس سی اس سی می باشد. در دهه ۱۹۹۰ دکالاس فیت به منزله رئیس جمهور پیشین سی اس سی پی خدمت می کرد. تصور او "صلح از طریق اعمال قدرت" بود. در حال حاضر وولسی به عنوان معاون کمیته مشورتی خدمت می کند.

دیگر سازمان های محافظه کار جدید که بیش از یک عضو نمایندگی آنان در ائتلاف را به عهده دارد شامل (American Enterprise Institute) (A.E.I.) و فریدوم هاوس (Freedom House) است.

راب سبحانی، یک آمریکایی ایرانی تبار که هانتلد لدین و دیگر محافظه کاران جدید دوست رضا پهلوی پسر شاه سابق است در عین حال یکی از اعضای "سی دی آی" (ائتلاف برای دموکراسی) نیز به شمار می رود.

سازمان ائتلاف برای دموکراسی در ایران (C.D.I)، بیان موضع گیری مشترک محافظه کاران جدید است. عینی بر این که مشارکت دادن سازنده نظام حاکم بر ایران در امور (حتی مشارکت دادن اصلاح طلبان دموکراتیک) چیزی جز امتیاز دادن به ایران جهت خوشنودسازی آن کشور نمی باشد.

در عوض مشخصه آن است که ایالات متحده بی درنگ استراتژی تغییر رژیم را ادامه دهد با مردم ایران همکاری تنگاتنگی را در این مسیر آغاز کند. نمایندگان مردم ایران که می توانند برای اجرای استراتژی تغییر رژیم جنبه نماینده داشته باشند بنا بر گفته محافظه کاران جدید مشتعل اند بر رضا پهلوی، پسر شاه معدوم (که در عین حال روابط تنگاتنگی با حزب لیکود در اسرائیل برقرار کرده است)، گروه چریکی مجاهدین خلق مستقر در عراق و قربانی فر، دلال اسلحه مقیم خارج از کشور خود.

مایکل لدین، آمیتای و سبحانی که همگی اعضای ائتلاف دموکراسی برای ایران هستند، سخنرانان همده نشست کانون فاند نظارت بر راه می سال ۲۰۰۳ بودند که درباره آینده ایران تشکیل شده بود و هماهنگی این نشست را موسسه آمریکان اینترپرایز "موسسه هالسن" و بنیاد دفاع از نظام های دموکراتیک به عهده داشتند. در کانون فاند نظارت، به ریاست میز او وورنسر، عضو موسسه هالسن، که همسر میوید وورنسر و متولد اسرائیل است (شوهر وی در مقام کارشناس طراز اول دیپلومی در امور مربوط به ایران و سوریه خدمت می کند)، آووی فولزانی، از مقامات وزارت دفاع اسرائیل، به تشریح مسائلی در ارتباط با ایران پرداخته. میز او وورنسر، ضمن شرح احساسات و

سازمان ائتلاف برای دموکراسی در ایران (C.D.I) بیان موضع گیری مشترک محافظه کاران جدید است. عینی بر این که مشارکت دادن سازنده نظام حاکم بر ایران در امور (حتی مشارکت دادن اصلاح طلبان دموکراتیک) چیزی جز امتیاز دادن به ایران جهت خوشنودسازی آن کشور نمی باشد.

نمایندگان مردم ایران که می توانند برای اجرای استراتژی تغییر رژیم جنبه نماینده داشته باشند بنا بر گفته محافظه کاران جدید مشتعل اند بر رضا پهلوی، پسر شاه معدوم (که در عین حال روابط تنگاتنگی با حزب لیکود در اسرائیل برقرار کرده است) گروه چریکی مجاهدین خلق مستقر در عراق و قربانی فر، دلال اسلحه مقیم خارج از کشور خود

عواطف نظریه پردازان محافظه کار جدید و استراتژیست‌ها به اختصار چنین گفته: این تصور که ما می‌توانیم به مقابله با عراق بسنده کنیم، تصور نادرستی خواهد بود. ما باید این برنامه را ادامه دهیم و سریع‌تر عمل کنیم.

"جینسا"، یک سازمان محافظه کار جدید که در سال ۱۹۷۶ تأسیس شد و کار اصلی آن تحکیم و گسترش پیوندهای تنگاتنگ استراتژیک نظامی میان ایالات متحده و اسرائیل است. در عین حال به ایران چشم دوخته و مراقب تحولات آن است. در یک همایش این سازمان، درباره سیاست گلزلی، که در آوریل ۲۰۰۳ برگزار شد و موضوع بحث‌های آن عبارت بود از: "زمان عطف توجه به ایران، ماندن تورویسم نوین"، تدین اظهار داشت: "زمان برای فعالیت‌های دیپلماتیک به پایان عمر خود رسیده است. اکنون وقت پشیمان‌ترین ایران آزاده سوریه آزاد و لبنان آزاد است."

"جینسا"، به موازات سی اس بی، به منزله یکی از حلقه‌های عمده نهادینه پیوند با مجتمع نظامی - صنعتی محافظه کاران جدید عمل می‌کند. تدین در مقام نخستین رئیس اجزایی "جینسا" خدمت می‌کرد و بنا بر گفته آمیتای،

"جینسا"، به موازات سی اس بی، به منزله یکی از حلقه‌های عمده نهادینه پیوند با مجتمع نظامی - صنعتی محافظه کاران جدید عمل می‌کند

پس از جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ و جنگ یوم کپور در سال ۱۹۷۳، محافظه کاران جدید یهود برای ریشه‌های یهودی خود اهمیت و حرمت قائل شدند و برای صهیونیسم در جهان بینی یهود جایگاهی بلند در نظر گرفتند. ضدیت با تمامیت گرایی و خود کاشکی، همچنین اصل همفکر سیاست خارجی محافظه کاران جدید است. از زمان پایان جنگ سرد تاکنون، محافظه کاری جدید توجه خود را به جهان اسلام و تا حدی کمتر، به چین معطوف داشته است، ولی اکنون به ضروریات ایدئولوژیک و سیاسی صهیونیسم جناح راست پیوسته است.

هدایت و رهبری آن را عهده دار بود. این تیم در عین حال شامل کسانی بود که نماینده جینسا وینها، (وابسته به آی بی سی) بودند و بهرلو و دیوید وورمر نیز جزو آن تیم حضور داشتند.

عنوان گزارش نهایی تیم پژوهشی مزبور، یک گسست قاطع و شفافیت یک استراتژی جدید برای تضمین امنیت منطقه بود. در این گزارش به پنهان‌نمایی‌ها و نخبه‌پروری منتخب اسرائیل گواهی شده بود که "با ترکیب و ارتداد به همکاری تنگاتنگ، بی‌دولت، تا اختلال منطقه‌ای را به بار کند پایه و منبع آن خطرات را سست نماید و در نهایت آنها را به کلی از میان ببرد و دیگر آن که جهت سرنگونی صلم حسین تشریح مسامحه نموده و هدف‌های نظامی سوریه در لبنان و احتمالاً در داخل خاک خود سوریه را مورد حمله قرار دهند." در این گزارش، توصیه شده بود که اسرائیل یک سیاست خارجی و داخلی بر مبنای

"پدرخوانده" جینسا محسوب می‌شد. آمیتای، معاون سازمان جینسا می‌باشد. اعضای هیئت رئیسه یا مشاوران جینسا را افرادی چون: جیمز وولسی، رئیس پیشین سازمان سیا، جک کمب، جمهوریخواه پیشین و جاشوا مورلو جیک و فیث - پس از پیوستن به اعضای دولت از هیئت مشاوران جینسا امضا بلد هستند. همان گونه که دیک چنی، معاون رئیس جمهور و جان بولتون، معاون وزارت امور خارجه در حوزه کنترل تسلیحات نیز از مقام خود کنار گرفتند. فیث همانند دیگر محافظه کاران جدید اسرائیل و ایالات متحده را دو کشوری می‌پندارد که در امور امنیت‌های خود دارای دغدغه‌ها و وجه اشتراک در ارتباط با خاورمیانه هستند. در سال ۱۹۹۶، فیث عضو یک تیم پژوهشی بود که موسسه "لاس پیس" سازماندهی آن را به عهده داشت و ریچارد پل نیز

یک "بنیاد نوین فکری" ابداع نماید، بنیادی که به ملت اختیار عمل دهد تا هرگونه نیرویی را که احیاناً در تن دلرد در راه بازسازی صهیونیسم به کار بندد. ایدئولوژی، به تنهایی دلیل وجود ارتباطات تنگاتنگ تاکلاس، فیث با اسرائیل نیست. موسسه حقوقی سابق او "فیث و زلی" نام دارد. این موسسه دارای دفتری در اسرائیل است. در معرفی دلالات اسلحه و پیمانکاران دفاع موشکی تخصص دارد. این موسسه از نقش خود در زمینه تسهیل انتقال تکنولوژی میان آمریکا و پیمانکاران نظامی اسرائیل با افتخار یاد کرده است.

تعمیق صهیونیسم

صهیونیسم، فیث که به جناح راست تعلق دارد، الگو و نمونه محافظه کاری جدید است. هواداری پنتاگون از تجاوز به عراق و اخیراً نیز موضع گیری‌های سرسختانه و افراطی پنتاگون در ارتباط با ایران و سوریه، باید در پرتو اعتقادات صهیونیستی و ارتباطات کسلی که سیاست دولت آمریکا در قبال خاورمیانه را شکل می‌دهند، با حزب لیکود، مورد بررسی قرار گیرد. ضدیت با نظام‌های خودکامه و توتالیتر، در آغاز دهه ۷۰ میلادی یک اصل بنیادی و سیاسی بود که محافظه کاران جدید را با پیشتران عقیدتی آنان پیوند می‌داد. در این نوع جهان بینی سیاسی مانوی نیروهای خیر و دموکراسی، به رهبری آمریکا، در معرض تهدید مستمر از جانب نیروهای شر که در کمونیسم و فاشیسم تجاور می‌یافت قرار داشت. در داخل کشور، گروه "خطر کنونی"، در هیئت کسانی که در راه جلب نظر مخالفان اهتمام ورزیده و نیز در هیئت هواداران نقش زدایی، انزواگرایان و مبارزان راه صلح که از رهرویی‌های پیشگیری کننده نظامی

و مستقیم با ایجاد کنندگان امپراتوری های خودکامه و توتالیتر گریزان هستند به میدان آمده است.

با وجود آن که محافظه کاران جدید اولیه عمداً یهودی بودند اکثریت آنان صهیونیست به شمار نمی رفتند. در دهه ۵۰ و در بخش اعظم دهه ۶۰، محافظه کاران جدیدی همچون اروپاینگ کریستول (که عموماً به نام پندر محافظه کاری جدید شناخته شده است) اسرائیل را بیشتر یک هم پیمان کلیدی در جنگ سرد تلقی می کرد تا در مقام سرزمینی که آن را خلوند در عهد عشق میهن قوم برگزیده خود قرار داده است.

پس از جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ و جنگ یوم کیهور در سال ۱۹۷۳، محافظه کاران جدید یهود برای ریشه های یهودی خود اهمیت و حرمت قائل شدند و برای صهیونیسم در جهان بینی خود جایگاهی بلند در نظر گرفتند. فسادیت با تمامیت گزایی و خودکامگی، همچنان اصل عمده سیاست خارجی محافظه کاران جدید است. از زمان پایان جنگ سرد تاکنون، محافظه کاری جدید توجه خود را به جهان اسلام و تا حدی کمتر به چین معطوف داشته است، ولی اکنون به ضروریات ایدئولوژیک و سیاسی صهیونیسم جناح راست پیوسته است. صهیونیسم فیت از خانواده لیبرالیته گرفته است. در سال ۱۹۹۷، سازمان صهیونیستی آمریکا در ضیافت شام سالانه خود به گرامی داشت دالک فیت و پسرش داگلاس فیت پرداخت و این پدر و پسر را "نوع دوستان سرشناس یهود و مبارزان هوادار اسرائیل" توصیف کرد. پدر، جایزه ویژه قاره ای (Continental) گروه مزبور را به خاطر یک عمر خدمت به اسرائیل و

قوم یهود دریافت کرد و در همان حال داگلاس پسر وی جایزه ارزشمند لویی دی براندیس را دریافت نمود.

دالک فیت، در جنبش جوانان صهیونیست موسوم به "پار" که در سال ۱۹۲۳ در "ریگا" واقع در لایویا، توسط زور زایوینسکی - ستایشگر موسولینی - تأسیس شده بود، یک عضو تندر و افراطی شمرده می شد. بنا که اعضای آن شمارهایی میلیتاریستی، با الگو برداری از نهضت های فاشیستی ستر می دادند، با جنبش جدید نظر طلبانه در ارتباط بود. این جنبش در لهستان نشو و نما یافت و به حزب هرورت - پیشتاز حزب لیگود - مبدل شد.

در سال ۱۹۹۹، داگلاس فیت مقاله ای را برای کرج در کتابی با عنوان "خطرات ناشی از یک کشور فلسطینی" ارائه داد. آن کتاب توسط سازمان صهیونیستی آمریکا انتشار یافت. همان سال، دو برابر ۱۵۰ عضو یک هیئت عملی به سازمان صهیونیستی آمریکا که به عنوان یک گروه کنگره راجت فشار قرار داده بودند، یک سخنرانی ایراد کرد. وی تقاضا کرد که آمریکا علیه اعراب فلسطینی که قاتل آمریکایی ها هستند، دست به اقدام بزند و سفارت آمریکا از تل آویو به اورشلیم انتقال یابد. گروه فشار سازمان صهیونیستی آمریکا همچنین به انتقال از دولت کلینتون پرداختند که چرا حاضر نشده است از عملیات ساختمانی غیرمجاز اعراب فلسطینی در اورشلیم، انتقال به عمل آورد، عملیاتی که سازمان گسترده تر از عملیات ساختمانی اسرائیلی ها در آن ناحیه می باشد. فیت علاوه بر پیوندها و ارتباطات تنگاتنگش با سازمان دست راستی صهیونیستی آمریکا، پیش از آن که به سمت کنونی خود در وزارت گون منصوب شود، به همراه چند نفر از همفکرانش،

گروهی را به نام "اورشلیم یگانه" تأسیس کرد که هدف آن "تجات یک اورشلیم واحد و یکپارچه به عنوان مرکز یا پایتخت ناگسیسته اسرائیل" می باشد. دیگر بنیانگذاران این سازمان مستقر در اورشلیم عبارتند از: "یوید استاین من" رئیس جیتسا، عضو هیئت رئیسه "سی اس پی" و رئیس کمیته اجرائی همایش خاور میانه دورگلد، مشاور و نماینده اسرائیلی، شارون، نخست وزیر و نماینده اسرائیلی، وزیر امور یهودین پراکنده اسرائیل و رئیس کنونی گروه اورشلیم یگانه.

گروه اورشلیم یگانه، همان جویای مشارکت صهیونیست های مسیحی در امور مربوط به خود هستند. در سال ۲۰۰۲، گروه اورشلیم یگانه، خبری کنفرانس صهیونیستی در اسرائیل برگزار و اشنگتن را به عهده گرفت. این کنفرانس صهیونیست های مسیحی، همچون کاری باوتر، عضو گروه ارزش های آمریکایی و روبرتا کامز، عضو ائتلاف مسیحی با دانیل پائیس، از همایش خاور میانه و صورت کلین، عضو سازمان

تنش های میان آمریکا و ایران عمیق تر می گردد. چنین وضعیتی نظر و خواسته عناصر جنگ طلب را در ایران به خوبی تأمین می کند. مایکل لدین نیز زمانی گفت: "بناست، مرا مضطرب، هر آستان و عصبی می کند"

صهیونیستی امریکارا گرد هم آورد.

برنامه های دوگانه
تولید اسرائیل و آی پکت منکر آن شده اند که در هیچ گونه عملیات مجرمانه ای متضمن استناد به اسناد و مفارک طبیبانه ای شده پتاگون در باره ایران مشارکت داشته اند. شارانسکی گفت: "هیچ گونه کوششی برای مشارکت دادن اعضای جامعه یهود و نیز هیچ یک از شهروندان امریکا به منظور جاسوسی کردن برای اسرائیل و علیه ایالات متحده به عمل نیافته است." او اظهار داشت: "تحقیقات درباره اعضای دفتر سیاست گذاری پتاگون به احتمال نزدیک به یقین از یک رقابت میان تشکیلات اطلاعاتی - امنیتی در دولت امریکا سرچشمه گرفته است." لدین نیز به توبه خود، به نیوزویک گفت که شایعات در مورد جاسوسی علیه فرانکلین روزولت صحتی وی سخنان پاتوی بیلی لیسند لکین و دیگر محافظه کاران جدید این تحقیقات را ناشی از تحریکات و فشارهای فیت است. امور خارجه و سازمان صی جهت بی اعتبار کردن محافظه کاران جدید و سنگ اندازی و طبع ترافش کوراه اجرای برنامه بازسازی خاور میانه، پروژه تغییر رژیم فو ایران، می فشارند.

با توجه به عقل خنثایت اعضای جمهوری خواه و دموکرات، کنگره از اسرائیل و ارتباطات تنگاتنگ آنان با گروه های فشار دست راستی اسرائیل نظیر آی پکت، مبدل است که این تحقیقات کند و کوهانی بسیار مورد نیاز در مورد برنامه های دوگانه و تکمیل کننده ای که سرصلاران افراطی امریکا و اسرائیل را با یکدیگر متحد می سازند، فراهم آورد. قلمرو سیاست گذاری فیت در داخل و خارج از

بدنه دولت آمریکا، همچنان سیاست آمریکا را در خاورمیانه به پیش می‌راند، بی آن که سند و مدرکی در دست باشد که نشان دهد این سیاست‌های تئورانه در حال افزایش امنیت ملی و بهزیستی ایالات متحده با اسرائیل می‌باشد.

در عین حال، تنش‌های میان آمریکا و ایران عمیق‌تر می‌گردد. چنین وضعیتی نظر و خواسته عناصر جنگ طلب را در ایران به‌خوبی تأمین می‌کند. مایکل لدین نیز زمانی گفت: "ثبات، مرا مضطرب به هراسان و عصبی می‌کند."

روز ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴ محمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران، هشدار داد که ممکن است ایران از پیمان منع تکثیر هسته‌ای خارج شود، البته در صورتی که واشنگتن و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درخواست کنند که ایران طرح‌های خود برای غنی‌سازی اورانیوم را کنار بگذارد.

دولت ایران می‌گوید که هیچ طرحی برای ساختن سلاح‌های هسته‌ای ندارد و بازرسان بین‌المللی نیز نتیجه‌ای جز این نگرفته‌اند. با این همه، اگر ایران طرح‌های خود مبنی بر غنی‌سازی حدود چهل تن اورانیوم را به اجرا درآورد - که بنا بر گفته خود ایران این مقدار اورانیوم برای تولید الکتروسیسته مورد استفاده قرار خواهد گرفت - آن گونه که بیشتر صاحب‌نظران تأیید می‌کنند، ایران تا چندسال دیگر می‌تواند چند بمب هسته‌ای تولید کند.

حتی امکان ظهور ایران در مقام دومین قدرت بزرگ هسته‌ای خاورمیانه، ایالات متحده و اسرائیل را نگران و آشفته خاطر کرده است. در همان زمانی که واشنگتن درخواست می‌کرد که قضیه ایران به شورای امنیت ارجاع شود، ارتش ایران سرگرم آزمایش موشک دوربرد خود (با برد ۸۱۰ مایل، ۱۳۰۰ کیلومتر) بود و این امر نشان دهنده

از دیدگاه دست‌اندرکاران بازسازی خاورمیانه، ایران نمودار یک خطر

روز افزون برای ثبات

منطقه می‌باشد، از

هم اکنون، نه فقط ایران

دارای موشک‌های دوربرد

است و امکان دارد که در

حال تولید سلاح‌های

هسته‌ای نیز باشد، بلکه

پیوندهای تنگاتنگ ایران

با اکثریت شیعه عراق خبر

سرت بخشی برای

بازسازی سیاسی و

اقتصادی عراق که دولت

بوش بر نامه آن را تنظیم

کرده است، شمرده

نمی‌شود

تمهد ایران در برابر دست‌اندرکاران به یک توان و گنجایش بازدارنده به شمار می‌رفت.

از دیدگاه دست‌اندرکاران بازسازی

خاورمیانه، ایران نمودار یک خطر

روز افزونی برای تهدید منطقه می‌باشد.

از هم اکنون، نه فقط ایران، بلکه

موشک‌های دوربرد است و امکان دارد

که در حال تولید سلاح‌های هسته‌ای

نیز باشد، بلکه پیوندهای تنگاتنگ

ایران با اکثریت شیعه عراق خبر سرت

بخشی برای بازسازی سیاسی و

اقتصادی عراق که دولت بوش بر نامه

آن را تنظیم کرده است، شمرده نمی‌شود. وانگهی، محافظه کاران جدید و اسرائیلی‌ها از دیر باز، شکایت از آن داشته‌اند که ایران از شبه‌نظامیان حزب الله در لبنان پشتیبانی می‌کند و به شورشی شیعیان عراق دامن می‌زند. از هم اکنون، واشنگتن به نحو مودری به ایران اعلان جنگ داده است.

قرار گرفتن در محور شرارتی که آقای بوش آن را ترسیم نموده است و نیز هدف به کار جهانی با تروریسم و استراتژی تازه آمریکا در زمینه نزدیک پیشگیری کتنده واقع شدن ایران را به

در کتابی با عنوان گسست آشکار، یک استراتژی جدید برای تضمین امنیت منطقه

فیث به همراه چندین

دیگر که مقالات آن را

تهیه کرده‌اند، توصیه

نموده‌اند، پیش‌فازهای

برای تشریح مسأله

آمریکا و اسرائیل پدید آید

که بر فلسفه مشترک صلح

از طریق اعمال قدرت

استوار باشد. سیاست

گسست آشکار اکنون هم

توسط دولت بوش و هم

توسط دولت شارون در

حال اجرا شدن است. به

نظر می‌آید نمایش بعدی

قدرت در ارتباط با ایران

به روی صحنه خواهد آمد.

نحوه فزاینده‌ای عصبی کرده است. ایران که خود قربانی تغییر رژیم توسط بریتانیا و آمریکا در سال ۱۹۵۳ به‌شمار می‌رود، تغییر رژیمی که شاه را در مقامش مافدگار کرده شاهد اجرای استراتژی تغییر رژیم عراق در غرب آن کشور و تغییر رژیم افغانستان در شرق آن توسط آمریکا بوده است. وانگهی، دولت آمریکا برای نخستین بار خود را با افراتیون نظامی اسرائیل با قاطعیت متحد ساخته است. اسرائیل یگانه کشور منطقه است که دارای کلاهک‌های هسته‌ای می‌باشد و یکی از چند کشوری به‌شمار می‌رود که حاضر نشده است پیمان منع تکثیر هسته‌ای را به امضا برساند.

در سال ۱۹۹۶، فیث به عنوان سخنگوی صنایع مسلحاتی در اسرائیل و ایالات متحده اشتغال داشته و در همان حال خلاصه گزارشی در زمینه سیاست‌گذاری برای دولت اسرائیل آماده کرده است. در کتابی با عنوان "گسست آشکار، یک استراتژی جدید برای تضمین امنیت منطقه" فیث به همراه چندین دیگر که مقالات آن را تهیه کرده‌اند، توصیه نموده‌اند، پیش‌فازهای برای تشریح مسأله آمریکا و اسرائیل پدید آید که بر فلسفه مشترک صلح از طریق اعمال قدرت استوار باشد. سیاست گسست آشکار اکنون هم توسط دولت بوش و هم توسط دولت شارون در حال اجرا شدن است. به نظر می‌آید نمایش بعدی قدرت در ارتباط با ایران به روی صحنه خواهد آمد.